



۲۰۱۷/۱۲/۰۷

م. اسحاق نگارگر

## مولود مبارک حضرت محمد (ص)

بیا ساقی ای نور شمع هُدی  
اگر زره گر آفتابیم ما  
که ماییم خاکِ در مصطفی  
ز نور محمد (ص) کبابیم ما  
(بیدل)

دوازدهم ربیع الاول روز میلاد مسعود پیامبری است که خدای بزرگ او را رحمت بر عالمیان خواند. او تلاش ورزید که یک جامعه سرپا شرک و تعصب را به شاهراه هدایت و تقوی رهنمایی کند. او خود تمام زندگی را در فقر و تقوی زیست و بدبختانه امروز مسلمانان به گروه های مختلف انشقاقی بدل گردیده اند و در میان شان حتی حرمت و عصمت مساجد نیز از میان رفته است. در گذشته مساجد پناهگاه امن برای مسافران و بیچارگان بود امروز آب خود را پُف کرده باید به سوی این پناهگاه امن بروی زیرا که دیگر بدبختانه امن نیست و این وسواس در دلت خانه می کند که مبادا اینجا یک حادثه انتحاری رخ بدهد و هستی بی گناهان را که قصدی جز عبادت نداشته اند از ایشان



بگیرد و هنگامی که در حریم مسجد تشویش و وسواس در دل آدم خانه کند؛ مسجد برای عبادت جای مناسب باقی نمی ماند. مولانا گفته بود:

اندر آ در خانه یارا ساعتی  
تا زقونیه بتابد نور عشق  
تازه کن این جان ما را ساعتی  
تا سمرقند و بخارا ساعتی

آری مولانا می خواست که نور عشق سمرقند و بخارا را ساعتی روشن کند اما نور عشقی که از قونیه تافت گوشه گوشه جهان را روشن کرد. وقتی می بینم که در مصر مسجد و خانقاه صوفیان را هدف حمله قرار می دهند مجبور می شوم که با سر افگندگی در پیشگاه حضرت نبی کریم (ص) به تقریب مولود شریف سخن بگویم. آری ای رحمت بر عالمیان و ای اسوه حسنه فقر و تقوی آنچه را تو در حجة الوداع گفته بودی با آنچه امروز ما مسلمانان می کنیم برابر می گذارم و عرق سرد خجلت بر جبینم پدیدار می شود. آنچه را امروز به نام اسلام می کنیم نمی توانم مطرح کنم ولی این است خلاصه آنچه تو در حجة الوداع گفته بودی:

### خطبه حجة الوداع حضرت نبی کریم (ص)

«ای مردم بشنوید آنچه را امروز و در این جا برای تان می گویم. نمی دانم که بار دیگر این جا با شما خواهم بود یا نه؟ خون شما؛ ملکیت شما و حیثیت شما مقدس است چنانکه این روز؛ این ماه و این شهر برای تان مقدس است. (منظور مکه و اطراف آن است)

بدانید و آگاه باشید که تمام اعمال مشرکانه دور جاهلیت اکنون اینجا زیر قدم های من است. تمام خون های ریخته شده در دوران جاهلیت بخشیده شده است. اولین خونی را که می بخشم خون ابن ربیع بن الحارث است که به وسیله هذیل گشته شده بود. ربا حرام است و من پیش از دیگران سود های ربای عم عباس بن عبدالمطلب را معاف می کنم.

### به تحقیق که تمام این ربا ها بخشیده شده است.

ای مردم در رابطه با زنان خود از خدا بترسید!! زنان شما نزد تان امانت خدا (ج) استند. آنان نفس های خود را به کلام خدا بر شما حلال کرده اند و بر شماست که حقوق زنا شوهری را در مورد شان رعایت کنید. اگر زنان شما از اعمال منافی عفت و روگردان استند شما هم نفقه و لباس شان را برسانید.

من در میان شما کتاب خدا و سنت خود را می گذارم اگر بدان پناه ببرید گمراه نمی شوید.

ای مردم؛ بعد از من پیامبری نیست و بعد از شما امتی دیگر وجود ندارد. پس پروردگار خود را بپرستید و نماز های پنجگانه خود را ادا کنید؛ در ماه رمضان روزه بگیرید و زکوة های خود را به رضای خاطر برسانید. من سپارش می کنم که به زیارت خانه خدا بپردازید. امیران خود را اطاعت کنید و بدین ترتیب است که وارد بهشت خدا می شوید. و شما را در باره من می پرسند؛ چه جواب خواهید داد؟

و مردم فریاد زدند: شاهی می دهیم که پیغام خدا را برای ما رساندی و مأموریت خود را انجام دادی و آنگاه نبی کریم (ص) انگشت شهادت به سوی آسمان کرد و سه بار گفت: «الهی توشاهد باش!» و ربیع بن أمیه بن خَلف سه بار گفته او را تکرار کرد و آنگاه آیه کریمه الیوم اکملت لکم دینکم نازل شد و عمر گریست. وقتی از او دلیل گریه اش را پرسیدند پاسخ داد:

«به دنبال کامل شدن چیزی جز نا کامل شدن نمی آید. و آنگاه بلال (رض) اذان داد و به امامت پیامبر(ص) نماز پیشین خوانده شد.

به روایت بخاری؛ الترمذی و مشکوة المصابیح در این خطبه همچنان فرمود:

«شما نزد پروردگار بر می گردید و او در باره اعمال تان از شما می پرسد مبادا که بعد از من گمراه شوید و گردن های همدیگر را با شمشیر بزنید.

دبختانه مسلمانان امروز تا همان حد گمراهی سقوط کرده اند. خود نتیجه عمل شان را در افغانستان؛ سوریه؛ یمن و مصر ببینید. حتی مصونیت اماکن پرستش خدا را نیز از میان برده اند. ما آنگاه که در برابر خدا بایستیم و از آنچه کرده ایم و می کنیم حساب پس بدهیم غیر از سرافکنگی دیگر چه متاع خواهیم داشت آیا حضرت شیخ فرید الدین عطار نیشاپوری در حق ما مسلمانان دُرست نگفته است که؟

بر گنج عشق جان کسی کامگار کو؟	در گنج اعتکاف دل بُردبار کو؟
یک صوفیی محقق پرهیزگار کو؟	اندر میان صُفّه نشینان خانقاه
یک پیر کار دیده و یک مردکار کو؟	در پیشگاه مسجد و در گنج صومعه
بی زرق و بی نفاق یکی خرّقه دار کو؟	خالص برای دوست از این جامه زندگان
زین پیش بوده اند درین روزگار کو؟	مردان مرد و راهنمایان روزگار
بر مرکب توکّل و تقوی سوار کو؟	اندر صف مجاهده یک تن ز سروران
از سابقان پیشرو آخر عُبار کو؟	سرگشته مانده ایم درین راه بیکران

عطار سوی گوهر آن بحر موج زن

جُز در درون سینه ترا رهگذار کو؟